

رابطه سرمایه اجتماعی و بیسبال در ایالات متحده آمریکا: ورزش حرفه‌ای ابزاری برای توسعه قدرت آمریکا

سعید رضا عاملی

دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ssameli@ut.ac.ir

زینت السادات مطهری

کارشناس ارشد مطالعات آمریکا، دانشگاه تهران، zntmotahari@ut.ac.ir

چکیده:

این مقاله بخشی از نتایج یک پژوهش بوده و در پی مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی با عمل داوطلبانه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در یک مصداق و مورد خاص، یعنی بازی بیسبال، به‌مثابه بازی طبقه متوسط جامعه آمریکا است. منظور از مشارکت در بیسبال، مشارکت مستقیم به‌صورت حضور در بازی و یا به‌مثابه تماشاچی بیسبال، اعم از سطوح فردی و جمعی، و در اشکال حضوری و غیر حضوری - از راه رسانه - است. نتایج پژوهش (جدول ۶) نشان می‌دهد که رابطه علی میان مشارکت در بیسبال و سرمایه اجتماعی وجود ندارد. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت علیرغم نوسان در سرمایه اجتماعی مشارکت‌کنندگان، مشارکت در این ورزش طبقه متوسط به‌طور ثابت به‌چشم می‌خورد. از این جهت، براساس یافته‌های پژوهش حاضر (جدول ۷)، فرض دوم مطالعه مبنی بر وجود رابطه معنادار میان مشارکت در بیسبال و سرمایه اجتماعی اثبات می‌شود. از سوی دیگر جایگاه بیسبال به‌مثابه نماد برجسته ورزشی آمریکا در نهادسازی "آمریکایی بودن" در سایر کشورهای جهان نیز محل تاملات این مطالعه بوده است که در نتیجه‌گیری منعکس شده است. توضیح بیشتر آنکه آمریکاشناسی عرصه گسترده‌ای است که یکی از لایه‌های آن قلمرو سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و ورزش‌های مردمی است. مطالعات گسترده اخیر روی حجم سرمایه اجتماعی در سطوح ملی ایالات متحده نشان از اهمیت کاربردی و جذابیت علمی موضوع دارد. سرمایه اجتماعی برآیند جامعه مدنی به‌مثابه مدیریت سطح سومی در کنار مدیریت‌های سطح اولی - دستگاه حکومتی - و سطح دومی - بازار - در کشورهای دارای سیستم سرمایه‌داری به حساب می‌آید. اصل مهم در اینجا تأکید بر این معنا است که گرایش به فعالیت‌های اجتماعی، ارتباط معناداری با انگیزه کار داوطلبانه دارد و از سوی دیگر، در هر جامعه اقبال به فعالیت‌هایی بیشتر است که خودی‌تر و ملی‌ترند. این مقاله نشان خواهد داد که به برخی از این پرسشها و مسائل پرداخته است.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی، نهادهای عمومی، بیسبال، ورزش، ایالات متحده، آمریکایی‌سازی.

مقدمه:

صنعت هم‌زمان ارتباطات در ظرف اینترنت، ظهور سینمای جهانی، فراهم شدن امکان سریع جهانی شدن ارزشها، ایده‌ها و روندها (عاملی، ۲۰۰۹) همراه با برنامه‌ریزی‌های فراگیر برای سلطه بر جهان، بستری را فراهم آورده است که سلطه و نظام قدرت دامنه گسترده‌تری برای حضور را پیدا کرده‌اند. در این مسیر فقط پدیده‌های سیاسی، موضوع توسعه قدرت نیستند، بلکه غذا، مسکن، نظام شهرسازی و حتی ورزش موضوع و ابزار توسعه قدرت محسوب می‌شوند. ایالات متحده آمریکا، به‌مثابه کشوری که همواره به‌دنبال مدیریت تک‌قطبی جهان

بوده است؛ مرجع مهم برای این سلطه جهانی است (عاملی، ۲۰۰۷). کوکاکولایی کردن جهان، مکدونالدی کردن جهان و حتی توسعه مدل فکری از راه ورزش بیسبال در پهنه گسترش سلطه ارزش‌های آمریکایی دنبال می‌شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که درک جامعه آمریکا مستلزم درک حوزه معرفتی، اجتماعی و عوامل زیربنایی اجتماعی آمریکاست. یکی از کلیدواژه‌های جامعه آمریکا، موضوع جامعه مدنی و در بطن آن، سرمایه اجتماعی است که بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی آمریکا هم به این مقوله باز می‌گردد. مطالعات رابرت پوتنام^۱ (۱۹۹۳) روی مشکلات پیش روی ایالات متحده از قبیل بزهکاری، فقر، تبعیض و بی‌اعتمادی، خاطرنشان می‌کند که این مشکلات ناشی از نوع جدیدی از نارسایی در سیستم حکمرانی است (همان: ۹). به باور وی زمان حل مشکلات کشور از راه ارجاع به عملکرد اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های زودبازده سر رسیده است. اکنون سرچشمه مشکلات می‌تواند عامل سومی باشد که خود را در شکل بی‌میلی عمومی برای مشارکت‌های معمولی و روزمره نشان می‌دهد. این‌که چگونه مشارکت در نهادهای مردمی - و غیر سیاسی - می‌تواند مبنای رکود یا شکوفایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد موضوع مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. سرمایه اجتماعی، به اختصار، محصول حضور فعال و پر شور افراد جامعه در نهادهای داوطلبانه، صرف‌نظر از کاربرد آنها است. این نهادها و مشارکت در آنها بخش قابل توجهی از بدنه جامعه مدنی^۲ را تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر، دوره‌ای که ایالات متحده در آن به سر می‌برد دورانی است که بخش اعظم بحران‌های آن ناشی از بحران در عرصه مدنی است.

طرح جامعه مدنی از سال‌های ۱۹۵۰ به‌مثابه عرصه سوم فعالیت و کنترل در کنار حوزه سیاسی حکومت‌داری و سیستم اقتصادی-فرهنگی سرمایه‌داری در عمل سرآغاز تاریخی بحث‌های جدی‌تر امروز در باب سرمایه اجتماعی است. امروز جامعه مدنی فراتر از اعانه دادن به سالخوردگان و مساکین و مهاجرین در قالب قوانین بهداشت و درمان دولت‌های دموکرات، به‌مثابه عرصه‌ای از تولید مطرح است که تمامی افراد و گروه‌ها را، بدون در نظر گرفتن میزان درآمد، تحصیلات و جایگاه اجتماعی، در بر می‌گیرد. هرچند در مورد دامنه شمول جامعه مدنی اختلافاتی هست، جامعه مدنی که آن را بخش غیرانتفاعی، داوطلبانه و مستقل نیز خوانده‌اند، می‌تواند قلمرویی از همکاری و تعاون سازمان‌یافته، هدفمند و داوطلبانه باشد که افراد را در مقابل نیروهای آشوب‌آفرین و سرکوب‌گر قرار می‌دهد (ادواردز و فولی، ۱۹۹۸).

مقاله حاضر در پی آن است تا پس از مطالعه آرای مطروحه در باب سرمایه اجتماعی و بیان ضرورت پرداختن به آن، نتایج حاصل از پژوهش انجام شده روی مشارکت در امر بیسبال را در پیوند با پشتوانه‌های اجتماعی مشارکت‌کنندگان آن مورد بحث قرار دهد. انتظار می‌رود این نتایج حاکی از ارتباط چشم‌گیری میان مشارکت در بیسبال و میزان سرمایه اجتماعی شرکت‌کنندگان در بیسبال باشد. نتایج مطالعات موردی از این دست، می‌تواند در راستای هدفمند کردن مطالعه فرهنگ عامیانه و زندگی روزمره راهگشا باشد. چنین مطالعاتی، در صورت دارا بودن روایی قابل قبول، در عرصه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی بسیار تاثیرگذار خواهند بود (کلمن، ۱۹۸۶: ۱۳۱۹؛ لین، ۲۰۱۰).

بیان مسئله :

جان مک کی (۲۰۰۱) در تفسیر مشارکت سیاسی شهروندان ایالات متحده، که طی سال‌های اخیر کاهش تامل برانگیزی یافته است، به دو مدل عمده تحلیل این رفتار اشاره می‌کند: مدل اول که مدل رایج در علوم سیاسی است بر نتایج انتخابات در قالب برد و باخت حزب و یا نامزد خاص تاکید دارد. حال آن‌که در مدل دوم، موسوم به "کنش عقلانی" که مدل پیشنهادی مک کی نیز هست، رفتار سیاسی شهروندان در سطح فرد و اولویتهای فردی رای‌دهندگان مطالعه می‌شود. در این مدل، ساز و کار عملکرد افراد یعنی الگوی رفتاری که تبیین می‌کند در چه شرایطی مشارکت افراد به حداکثر و یا حداقل می‌رسد، مورد مطالعه و توجه قرار می‌گیرد.

قدر مسلم، موضوع مشارکت جمعی شهروندان محدود به حوزه سیاست و انتخابات نیست. مشارکت سیاسی تنها یکی از حوزه‌هایی است که پژوهشگران "جامعه مدنی" در قالب "سرمایه اجتماعی" به آن می‌پردازند. رابرت پوتنام یکی از پژوهشگران سرمایه اجتماعی است که مشارکت عمومی را در سطح فردی - مورد تاکید مک کی - دنبال می‌کند. از نظر پوتنام مشارکت افراد شهروند در حوزه‌های مختلف به یکدیگر وابسته است: چه آن‌که این رابطه را می‌توان به شکل شبکه روابط در نظر گرفت که فعالیت در یکی، احتمال حضور در دیگری را تقویت می‌کند. پوتنام (۲۰۰۵) برای تبیین این ارتباط شبکه‌ای به کاهش مشارکت شهروندان آمریکایی در ورزش‌های گروهی و افزایش تمایل آنان به بازی‌هایی هم‌چون بولینگ اشاره می‌کند که ورزشی تک‌نفره است. وی بر این باور است که میان این تغییر رفتار و کاهش مشارکت سیاسی شهروندان، ارتباط مستقیم وجود دارد. از این جهت، بیسبال عنصری مناسب برای مطالعه سرمایه اجتماعی در راستای شناخت بستر فرهنگی مقوله "مشارکت" است.

پوتنام (۲۰۰۵) مکانیسم و ماهیت سرمایه اجتماعی را با اشاره به بازتولید ارزش‌هایی همچون اعتماد، داوطلبی، خیرخواهی و ... تشریح می‌کند. چگونگی بازتولید این ارزش‌ها در بیسبال و جایگاه بیسبال در فرهنگ و جامعه آمریکا، کلیت پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که در مرور آرای نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی اشاره خواهد شد، دستیابی به این هدف با توجه به نسخه‌ای که کلمن از "کنش عقلانی" مورد نظر مک کی ارائه کرده است، میسر می‌شود. یافته‌های این مقاله با توجه به فرضیات ارائه شده، ما را در درک بهتر فرهنگ ایالات متحده یاری می‌کند. بیسبال به‌مثابه ورزش محبوب و مردمی و به‌طور مطلق آمریکایی که مظهر ارزش‌ها و علقه‌های این تمدن معرفی می‌شود، یک پروژه است یا یک پروسه؟ یک افسانه است یا یک واقعیت؟ باز تولید آن از پایین به بالا است یا از بالا به پایین (آیا مردم آن را بازتولید کرده و به یک عامل ملی - تمدنی تبدیل می‌کنند، یا آن که ساختار حکومت آن را بازتولید کرده و به‌مثابه بخشی از روایت ملت سازی^۳ خود آن را به سطح عموم تزریق می‌کند؟) و پرسش‌هایی از این دست را می‌توان با اتکای به یافته‌های مطالعه حاضر تبیین کرد (لین، ۲۰۱۰).

بیسبال و سرمایه اجتماعی: تبیین نظری

مطالعه بیسبال در ارتباط با سرمایه اجتماعی که دو متغیر اصلی این پژوهش هستند مستلزم بحث نظری و مفهومی است که تعاریف خود را دارا هستند. در ذیل به این مفاهیم، تاریخچه و تعاریف آنها به اختصار اشاره می‌شود.

جامعه مدنی

ادواردز و فولی (۱۹۹۸) در مقاله مشترک خود، جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی فراتر از آرای پوتنام، جامعه مدنی را با این تعریف ارایه می‌کنند: "قلمرویی از همکاری و تعاون سازمان‌یافته، هوشمند و داوطلبانه که افراد را در مقابل نیروهای آشوب‌آفرینی، سرکوب‌گر و یا روند اتمیزه شدن قرار می‌دهد" (بدون صفحه‌گذاری). کمی بعد از پیدایش هنجارها و ارزش‌های نظریه دموکراتیک اجتماعی در دهه ۱۹۵۰ آمریکا، در آغاز دهه ۱۹۷۰، اروپای شرقی شاهد تحول اجتماعی حاصل از فروپاشی تدریجی کمونیسم بود. در لهستان دهه ۱۹۸۰ جامعه مدنی به‌مثابه راه سومی مابین نظام کمونیستی موجود و طغیان و هرج و مرج رودرروی آن پدیدار شد. هم‌زمان، در آمریکای لاتین، جامعه مدنی در نقش احزاب سیاسی به مقاومت در برابر دولت سرکوب‌گر دعوت می‌کرد. در اروپای غربی نیز در همین دوران، شاهد نوعی تلقی صنفی از جامعه مدنی در شکل نیروی کار سازمان‌یافته و احزاب مربوطه، که سایر اقلیت‌های نیازمند سازمان‌دهی را نیز پوشش می‌داد، هستیم. اما در ایالات متحده، مفهوم و قالب جامعه مدنی به‌مثابه "محصولی وارداتی" برای حل بحران "دولت رفاه" مطرح شد. البته ادواردز و فولی اشاره می‌کنند که در آن زمان، جامعه مدنی تنها نقش ابزاری برای احیای اعتماد به بازار را ایفا کرد. این تناقض - جامعه مدنی در خدمت ارزش‌های بازار - تا به امروز در صحنه مدنی آمریکا، قابل مشاهده است. از این روست که ادواردز و فولی تفاسیر موجود از جامعه مدنی در ایالات متحده را بیشتر محافظه‌کارانه و سیاسی می‌خوانند چراکه عرصه یادشده به ناچار در ارتباط با دستگاه حکومت مطالعه می‌شود (همان).

ادواردز و فولی مشاهده می‌کنند که در مطالعه ادبیات کار، گستردگی الگوهای عملی که مفهوم جامعه مدنی از آنها استخراج شده، مضاف بر تمایل فزاینده به برخورد آرمانی در ارایه تعریف از آن، منجر به ابهام شدید مفهومی آن در مقام یک مفهوم تحلیل شده است (همان).

در هر صورت، رویکرد کلی به معنای جامعه مدنی حکایت از برآمدن آن در شرایط و موقعیت‌های مختلف به‌مثابه راه سومی در کنار دولت و بازار به‌مثابه نیروهای کنترل‌گر دارد "که به احتمال قوی نقش موثری در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند" (همان). "بخش غیر انتفاعی"، "بخش مستقل" و "بخش داوطلبانه"، همچنین "بخش سوم" عناوین مختلفی است که آگاهانه یا غیر آگاهانه به جامعه مدنی اشاره دارند (همان). نقد بسیار مهمی از سوی ادواردز و فولی بر جایگاه اغراق‌آمیز جامعه مدنی وارد آمده که عبارت است از این که "نهادهای اجتماعی تا حدود زیادی منوط به بستری سه‌گانه هستند که به‌طور مشترک از سوی دولت، بازار و جامعه مدنی تامین می‌شود" (همان). البته در نظر گرفتن این نقد، خللی در هدف مقاله حاضر برای مطالعه امر بیسبال وارد نمی‌کند، چراکه این مطالعه کمابیش در چارچوب تعریف شده‌ای از جامعه مدنی پیش رفته و در آن بنای بر انکار مظاهر دیگر زندگی جمعی، اعم از حیطه‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری، نیست.

سرمایه اجتماعی

گفته می‌شود که تفکرات اولیه مولد ایده سرمایه اجتماعی در آرای جیمز مدیسون^۴ هنگامی که فدرالیست (۱۷۸۷) را می‌نوشت، الکسیس دو توکویل^۵ در *دموکراسی در آمریکا* (۱۸۳۵) و جان دیوئی^۶ در *مدرسه و جامعه* (۱۸۹۹) قابل مشاهده است. صرف نظر از ریشه‌ها و مفاهیم مشابه قدیمی‌تر، سرمایه اجتماعی به‌طور مبسوط و به معنی امروزی آن اولین بار در آرای ال. جی. هانیفان (۱۹۱۶) مشاهده شد. در دوران متاخر، آن چه که سرمایه اجتماعی - با معنای مستفاد در متن حاضر - قلمداد می‌شود به‌طور عمده در آرای سه تن توسعه داده شده است (ادواردز و فولی، ۲۰۰۱) که در ذیل به این سه تن اشاره می‌رود.

پیر بوردیو^۷ (۱۹۸۶)، جامعه‌شناس فرانسوی که نظریاتش را حاکی از دیدگاه تقلیل‌گرایانه اقتصادی وی می‌دانند، واژه سرمایه را قابل تعمیم به حیطه اجتماع دانسته و وظیفه علم را مطالعه سرمایه اجتماعی در تمامی اشکال آن اعم از اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند.

این در حالی است که جیمز کلمن^۸ (۱۹۸۸) ضمن رد فردگرایی افراطی متضمن در نظریه "کنش عقلانی" که سود فرد را بر منافع گروه ارجحیت می‌بخشد، و از راه تلفیق آن با نظریه "کنش جمعی"، به راه سومی برای مطالعه "کنش عقلانی فردی در راستای منافع گروهی" دست می‌یابد. این دیدگاه بین رشته‌ای به مقوله کنش است.

تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی به‌وسیله نقبی است که او برای یافتن راه سومی به کنش جمعی می‌زند. تعریفی مابین تعریف منفعل جامعه‌شناسانه آن و تعریف سودجویانه اقتصادی آن: "موقعیت‌های مختلفی که دو خصیصه مشترک دارند: همگی آنها جنبه‌ای از ساختار اجتماعی دارند و اعمال فردی ویژه‌ای را درون این ساختار تسهیل می‌کنند ... بر خلاف دیگر شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی در روابط فیما بین افراد نهفته است، نه در خود افراد و نه در ابزار تولید" (۱۹۹۴: ۳۰۲). تعریف کلمن از نظر پورترس (۱۹۹۸) جامع‌ترین تعریف ارائه شده از سرمایه اجتماعی است.

تعریف رابرت پوتنام از سرمایه اجتماعی رویکرد او را در قالب بزرگتر نئوتوکویلی^۹ قرار می‌دهد: "آن دسته از خصیصه‌های انجمن‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، که کنش و تعاون را در جهت نفع دو طرفه تسهیل می‌کنند" (۱۹۹۳: ۱ و ۲). پوتنام کمی بعد از مطالعاتش روی جامعه مدنی ایتالیا، از تعاریف و مطالعات در حال گسترش سرمایه اجتماعی آگاه شد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۱۳). اثر بعدی پوتنام، *بولینگ یک نفره* (۱۹۹۶)، مطالعه مستقیم سرمایه اجتماعی بر مبنای فرضیاتی بود که به‌طور مستقیم مشکلات پیش‌روی ایالات متحده را هدف قرار می‌داد و سرمایه اجتماعی را هم عامل و هم درمان این مشکلات معرفی می‌کرد.

کیان تاجبخش (۱۳۸۴) از اصل هم‌آیی دو واژه "سرمایه" و "اجتماعی" می‌پرسد. نتیجه‌ای که او از مطالعه خود می‌گیرد حاکی از آن است که خصوصیات تعریف شده برای واژه سرمایه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی (شامل حق مالکیت، کسب سود مستقیم، کسر پذیری در صورت مصرف و غیره) با تعریف رایج از

سرمایه اجتماعی منافات دارد و از این جهت این هم‌آیی تنها به صورت استعاری قابل قبول است (ص. ۲۹). بنابراین، اشاره به این واژه در متن حاضر نیز آن را فاقد بار و مضمون اقتصادی می‌داند.

نگاه نئوتوکویلی

دیدگاه نئوتوکویلی به سرمایه اجتماعی حاکی از نوعی سیاست‌زدگی در برخورد با آن است. این امر انتقادات چندی را برانگیخته است. از جمله انتقادات، آن را محکوم به محافظه‌کاری می‌کند (پورتس، ۱۹۹۸؛ بولز، ۲۰۰۲؛ ادواردز و فولی، ۱۹۹۸). اما به دلیل داشتن ارزش اکتشافی نسبی به‌ویژه در پژوهش‌ها، نظر سنجی‌ها و مطالعات طولی مورد توجه قرار گرفته است. پوتنام سرآمدترین چهره در میان نئوتوکویلی‌ها است. در ذیل به اختصار دیدگاه نئوتوکویلی را شرح می‌دهیم.

الکسیس دو توکویل، متفکر و جامعه‌شناس فرانسوی، بعد از سفرش به ایالات متحده، مشاهدات خود را در قالب اثری بیان داشت که دموکراسی را اصلی‌ترین ویژگی ملت آمریکا و آمریکا را حائزترین ملت از جنبه دموکراسی معرفی می‌کرد. *دموکراسی در آمریکا* (۱۸۳۵) ضمن تحلیل شیوه حکومت در آمریکا به فعالیت قابل توجه سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی اشاره دارد. از دیدگاه توکویل، وجود این سازمان‌ها به ایجاد آن شبکه گسترده مردمی می‌انجامد که قوت هر چه بیشترش حکایت از دخالت و نظارت گسترده‌تر عموم مردم بر اداره مسایل محلی، ایالتی و کشوری دارد. از این جهت دوتوکویل را اولین کسی می‌دانند که به ارتباط بین ارگان‌های مدنی و دموکراسی اشاره کرد.

این استدلال مبتنی بر مشاهدات فردی، از نظر عده‌ای، قابلیت آن اعتماد و اتکاء را ندارد که بتواند به مثابه مبنای نظریه‌ای همچون سرمایه اجتماعی قرار بگیرد. از نظر این منتقدین، منبع اطلاعاتی توکویل هنگام مشاهده و مطالعه ایالات متحده بیشتر ویگ‌ها و جمهوری‌خواهان بوده‌اند. حال آن‌که اکثریت جامعه همان زمان آمریکا را کشاورزان غیر مالک، سیاهان و مهاجرین تشکیل می‌دادند. از سوی دیگر استدلال می‌شود که کثرت یافتن نهادهای مردمی در آمریکای قرن نوزده بیشتر با هدف حل اختلافات ناشی از فقدان سیستم ساختارمند حکومتی برای رسیدگی نظام‌مند به مسایل بوده است. حال آن‌که، در همان دوران در اروپا این نقیصه به چشم نمی‌خورد و از این جهت ضرورت ایجاد انجمن‌ها و نهادهای مردمی در اروپا خالی از موضوعیت می‌نمود (تارو، ۱۹۹۸).

با وجود این انتقادات، رویکرد مقاله حاضر آن است که "نئوتوکویلی‌گرایی" تنها نامی است برای یک رویکرد منطقی که فقط با توجه به اقبال یک‌دسته از نظریه‌پردازان همچون پوتنام به کارکرد سازمان‌ها در جامعه مدنی به آن اطلاق می‌شود. نظریه پوتنام به این دلیل و به دلایل مذکور پیشین، از جمله مدون بودن و ارزش اکتشافی آن، پشتوانه نظری بحث حاضر را تشکیل می‌دهد. دیدگاه نئوتوکویلی از سرمایه اجتماعی ابزار نظری سودمندی برای مطالعه یک عنصر فرهنگی، یعنی بیسبال، با عنایت به وضع کنونی مشکلات ایالات متحده فراهم می‌کند.

گذشته از این، خالی از فایده نیست در پاسخ به نقد مذکور به این نکته اشاره شود که چه بسا در صورت عدم تمایل به سیستم فدرالیستی در ایالات متحده، مشکل ساختاری مذکور یک بار برای همیشه در این کشور حل می‌شد. پس مشاهده می‌کنیم که در شرایطی که فدرالیسم - به معنای فقدان دولت‌های مرکزی و محلی

قدرتمند - شکل فعلی جامعه مدنی با نهادهای مردمی فعال را برای جامعه آمریکا به ارمغان آورد، در اروپا، وجود دولت‌های مرکزی قوی مانعی بر سر راه ایجاد جامعه مدنی محسوب می‌شد. می‌توان گفت در اروپا شاهد سیر معکوسی بوده‌ایم که می‌شود آن را نمونه‌ای از "آمریکاسازی" نامید. به این معنا که با نگاه به مدل آمریکایی و در پی تمایل به ساختار دموکراتیک بعد از انقلابات متعدد و گسترش مدرنیسم، بر تعداد نهادهای مردمی در اروپا افزوده شد. در نهایت، همان‌طور که پیش‌تر به نقش مدیسون - نویسنده اثر فدرالیست - در توسعه ذهنیت سرمایه اجتماعی اشاره شد، شکل فدرالیستی حکومت در ایالات متحده بحث بیشتر در این زمینه را غیر ضروری می‌کند.

اما شکل‌گیری نهادهای مدنی نوعی تضمین برای جبران فقدان اطلاعات، قدرت و برابری در سطح فردی در جامعه است. کارکرد مهم نهادها ایجاد اعتماد لازم در فرد برای اقدام به عضویت در آن نهاد و سپس تقبل نقش و هویت جمعی است. این اعتماد برای فرایند "درونی‌سازی"^{۱۰} ارزش‌های مد نظر نهاد و جامعه - فرایند اجتماع پذیری^{۱۱} - ضروری است. بنابراین، عملکرد نهادها در ارتباط با دو مفهوم اعتماد و ارزش‌ها فعال می‌شود (اوفه، ۱۹۹۹: ۱۸). فونگ (۲۰۰۳: ۵۳۵) دو نوع نهاد مدنی را تشخیص می‌دهد: نهادهای صلح‌آمیز و نهادهای مقاومت‌کننده^{۱۲}. دسته اول به نهادهایی اطلاق می‌شود که با کارکرد "اجتماع پذیری" در خدمت اشاعه ارزش‌های مورد پسند جامعه - و احیانا حکومت - قرار می‌گیرد. دسته دوم به نهادهایی اشاره دارد که با رد ارزش‌های رایج یا بخشی از آن، کارکردی "جدایی طلبانه"^{۱۳} را اتخاذ می‌کنند. لازم به ذکر است که نهاد ورزش را در دسته اول یعنی نهادهای صلح‌آمیز می‌دانند (همان). این موضوع، به‌تنهایی و به‌راحتی بخش مهمی از پیش‌فرض مطالعه حاضر مبنی بر نقش بیسبال در فرایند ملت‌سازی و آمریکاسازی را تبیین می‌کند.

بیسبال به‌مثابه ورزش طبقه متوسط و یک نهاد مدنی

"ورزش" شکل تکامل‌یافته و سازمان‌دهی شده "بازی" های اولیه بشر است. می‌یر (۱۹۸۱) اشاره می‌کند که تفاوت ورزش و بازی در میزان اتکای هر یک بر نیروی شانس و اتفاق است؛ در حالی که بازی تا حد زیادی متکی بر شانس و حادثه است، ورزش‌ها هر چه افزون‌تر بر محاسبات و دقت آماری خود می‌افزایند تا از میزان تعیین‌کنندگی شانس در رقابت ورزشی بکاهند. تفاوت دیگر، ضرورت و اهمیت قدرت فیزیکی است که ورزش را از بازی مجزا می‌کند. همچنین، ورزش فعالیت‌های سازمان‌دهی شده و هدفمند است، حال آن‌که بازی‌ها اصولاً با انگیزه فردی، بدون برنامه و با مقاصد شخصی و زودگذر دنبال می‌شوند.

بیسبال ورزش ملی ایالات متحده و دارای عمر ۲۰۰ ساله است. تاریخ شکل‌گیری و شیوه اجرای این ورزش حاکی از آن است که بیسبال شکل تکامل‌یافته بازی‌های کودکان انگلیسی است که به‌وسیله مستعمره‌نشینان اولیه انجام می‌شد. پس از آن که ابنر دابلدی^{۱۴} در ۱۸۳۹ زمین بیضی شکل بیسبال، "دایاموند"، را طراحی کرد، الکساندر کارترایت^{۱۵} در ۱۸۴۶ اولین مسابقه سازمان‌دهی شده با قوانین اولیه را ترتیب داد. در همین اثنا، یک روزنامه‌نگار علاقه‌مند به نام هنری چادویک^{۱۶} با ایجاد کارت رکورد نویسی، آمارها و کتابچه راهنما، به معرفی

گسترده بیسبال کمک شایانی کرد. ای. جی. اسپالدینگ^{۱۷} چهره دیگری است که توسعه تجارت را در این ورزش آغاز کرد (وویت، ۱۹۹۸؛ ریتز، ۲۰۱۰).

بیسبال به‌مثابه یک ورزش مردمی در آمریکا شناخته شده که هم حضور مردم به‌منزله تماشاچی را به همراه داشته و هم ورزش عامه مردم و به‌طور متمایز کننده ورزش طبقه متوسط آمریکا بوده است. از این‌رو است که بیسبال نه تنها ورزش ملی آمریکا، که نمادی از خود آمریکا است. میزان مشارکت عمومی در ورزش بیسبال بسی بیشتر است از میزان مشارکت عمومی در بسکتبال، که به‌ظاهر از مردمی‌ترین ورزش‌های آمریکا^{۱۸} به حساب می‌آید. آن‌چه که امروز با نام لیگ برتر بیسبال^{۱۹} می‌شناسیم در واقع ابزار سرگرمی و وقت‌گذرانی مردمانی در آمریکا بوده است که تازه پا به این سرزمین گزارده بودند و خود را نه آمریکایی، که مهاجر قلمداد می‌کردند (کان، ۱۹۸۷؛ ریتز، ۲۰۱۰). نکته جالب توجه دیگر این که، بیسبال همانند جامعه مدنی آمریکا با گسترش سیر مهاجرت به این کشور در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ گسترش یافت (لیند، ۱۹۹۵؛ ریتز، ۲۰۱۰). از این‌رو ایجاد ارتباط بین گسترش بیسبال و نشو جامعه مدنی آمریکا بسیار منطقی‌تر به نظر می‌رسد تا بسکتبال. لازم به ذکر است که ورزش بسکتبال به‌وسیله یک متخصص علوم ورزشی طراحی و از این جهت از ابتدای پیدایش و بدون گذر از دالان تکاملی جامعه مدنی به‌مثابه یک ورزش معرفی شد.

درباره نقش نمادین بیسبال باید گفت که عموماً نگاه نمادین به ورزش‌های ملی امری رایج است. اما آنچه که بیسبال را هنوز برای مطالعه موردی مجزاتر می‌کند آن است که نمایندگی بیسبال از آمریکا همان قدر از نمادین بودن سایر ورزش‌ها از ملت هایشان جدا است که استثناگرایی^{۲۰} آمریکایی ایجاب می‌کند (سعیدآبادی، ۱۳۸۵). از این جهت پژوهش حاضر بر آن است تا با نگاه تحلیلی به جایگاه فرهنگی ویژه بیسبال، آن‌را نه تنها به‌مثابه یک ورزش هویتی، بلکه به‌منزله یک ورزش فراگیر پیوند خورده با سرمایه اجتماعی آمریکا مطالعه کند.

آنچه که از بیسبال قالب مناسبی برای طرح سرمایه اجتماعی می‌سازد دولبه بودن آن از سمت و سوی فرهنگی و از جهت اجتماعی است. خصوصیات فرهنگی بیسبال، به‌منزله یک نهاد آمریکایی، نمایانگر فرهنگ عامیانه است که طی قرون اخیر موجب تسریع روندهای آمریکایی‌سازی جهان در قالب مدرنیته و مدرن‌سازی جهان بوده است (یاسپر، ۲۰۰۰؛ عاملی ۲۰۰۲؛ استید، ۲۰۱۰؛ لیند، ۱۹۹۵؛ ریتز، ۲۰۱۰). این همان نگاهی است که با آن ژان بودریلارد (۱۹۸۹) آمریکا را نسخه اصلی مدرنیته و اروپا را نسخه بدل آن معرفی می‌کند. بحث او بر سر هویت آمریکایی است که هویتی بی‌تاریخ اما نه لزوماً بدون هویت است. چه، از نظر وی، اصالت در سنت با ریشه‌دار بودن تاریخی، و در مدرنیته با بی‌ریشگی برای استعمار هر چه آسان‌تر منابع تعریف می‌شود.

تمدن آمریکا که بر مشارکت‌های عوامانه چون بابانوئل^{۲۱}، جشن شکرگزاری^{۲۲}، هالوین^{۲۳} و بیسبال بنا شده حاصل تهور مهاجرین به آمریکا آمده در رها کردن سنت‌های دست و پاگیر زیستی، و به جای آن پرداختن به دو عامل مطامع و تحرک فردی است (لیند، ۱۹۹۵؛ یاسپر، ۲۰۰۰).

با توجه به این توضیحات گمان می‌رود مشارکت در بیسبال برای شهروند آمریکایی سرمایه اجتماعی غنی‌ای اعم از جنبه اجتماعی‌پذیری و آمریکایی‌پذیری در بر داشته باشد. در بحث نتیجه‌گیری با اتکای به مدل تحلیلی اوفه (۱۹۹۹) در باب عملکرد نهادها در جامعه مدنی و مدرنیسم، به این موضوع پرداخته خواهد شد.

در تلاش برای دریافت جایگاه و تاثیر مشارکت در بیسبال بر میزان سرمایه اجتماعی مشارکت‌کنندگان آن در سطح فردی، به سراغ بحث‌های موجود درون نظریه سرمایه اجتماعی می‌رویم. فونگ (۲۰۰۳) باور دارد که می‌توان نهادهای مدنی را به دو دسته صلح‌آمیز و مقاومت‌کننده تقسیم کرد. در بیان کارکرد هر یک از این دو نوع نهاد اشاره شده است که نهادهای صلح‌آمیز به دلیل همراهی با فرهنگ مادر که جامعه مدنی در بطن آن شکل می‌گیرد، در خدمت بازتولید ارزش‌های مسلط آن، یعنی ارزش‌های مورد تایید حکومت‌ها در فرآیند روایت‌سازی است (زیپل، ۲۰۰۶).

از آنجا که نهادهای ورزشی به‌طور عمومی به‌مثابه نهادهای صلح‌طلب شناخته می‌شوند، باید گفت بیسبال نهادی صلح‌طلب و مردمی در ایالات متحده است که در خدمت اشاعه ارزش‌های فرهنگی تمدن آمریکا فعالیت می‌کند. اما آنچه مد نظر است آن که میزان تاثیر فعالیت‌های این نهاد، بسته به میزان مردمی بودن آن بیش از سایر نهادهای ورزشی همچون بسکتبال یا فوتبال آمریکایی قابل تامل است.

مقایسه بیسبال و بسکتبال در ارتباط با مردمی بودن و لذا توسعه سرمایه اجتماعی شامل مقایسه میزان محبوبیت و مردمی بودن این دو ورزش امکان‌پذیر است. باید گفت در مقایسه با بسکتبال که از بدو ایجاد، ورزشی استاندارد بوده، بیسبال ورزشی است که در فرآیند اجتماع‌پذیری موج دوم مهاجرین به آمریکا در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیست توسعه یافت و از یک بازی کودکانه، عوامانه و آزاد به ورزشی استاندارد و غیر انحصاری به طبقه‌ای خاص، نشو پیدا کرد (یاسپر، ۲۰۰۰؛ ماسیک و سولومون، ۲۰۰۵). افزون بر این، ورزش بسکتبال، صرف‌نظر از مهد پیدایش آن، دیگر ورزشی آمریکایی محسوب نمی‌شود و حضور جهانی دارد، هرچند که قهرمانی لیگ جهانی در این ورزش را باید هم‌چنان محدود به ایالات متحده دانست (همان؛ سیمونز، ۲۰۱۰). برای مقایسه بیسبال و فوتبال آمریکایی در ارتباط با میزان مردمی و آمریکایی بودن این دو ورزش و نقش هر یک در تولید سرمایه اجتماعی باید به طبیعت هر یک توجه شود. اشاره می‌شود که فوتبال آمریکایی از محدود ورزش‌های تیمی است که به دلیل خشونت، ارزش‌های مقاومتی و سلطه‌ستیزی دارد. بعلاوه، این ورزش بیشتر به‌مثابه ورزش آکادمیک ایالات متحده، و لذا محدود به گروه سنی و تحصیلی خاصی تلقی می‌شود. این درحالی است که ملاک مردمی بودن شامل فراگیر بودن ورزش به‌لحاظ طیف جمعیتی قابل پوشش در ورزش می‌باشد. هر دو ورزش در جامعه آمریکایی، جایگاه متمایز کننده و هویتی دارند. فوتبال آمریکایی، ورزش جوان‌تری است که به سال ۱۸۶۹ باز می‌گردد و از بازیگران و علاقمندان جوان برخوردار است و به‌رژ مثابه یک ورزش سخت تلقی می‌شود. هر دو ورزش بازنما کننده جامعه آمریکایی هستند. بومی بودن این دو ورزش در جامعه آمریکا، مرجعیت مهمی برای بودن‌ها و نبودن‌های اجتماعی در سطح ورزش ملی است که هر دو وجهی از روحیه استثنانگرایی آمریکایی را نشان می‌دهند: هم خشونت اجتماعی نهفته در فوتبال آمریکایی و هم وجوه تعامل اجتماعی نهفته در ورزش بیسبال. با این حال، وجه تفکیک نرم و سخت، عامل مهمی برای آن است که بیسبال را دارای صبغه فرهنگی بیشتری بدانیم تا فوتبال آمریکایی (همان؛ اسمیت، ۲۰۱۰؛ کلی، ۲۰۱۰).

بیسبال به‌مثابه یک امر احساسی که بر موج هیجانات حرکت می‌کند و به مثابه یک بازی آمریکایی، پیوند جدی با فرهنگ آمریکایی و قدرت آمریکایی برقرار می‌کند که با توجه به جنبه‌های فرهنگی آرام و پیوندهایی که با

سرمایه اجتماعی دارد، عاملی جدی در حوزه ورزش رقابتی و مردم‌پسند برای توسعه فرهنگی آمریکا محسوب می‌شود و در چرخه آمریکایی‌سازی جهان قرار می‌گیرد (اسمیت، ۲۰۱۰ و کلی، ۲۰۱۰)، نمونه‌های بارز این روند در ژاپن، کشورهای آمریکای لاتین و سایر شبکه‌های ورزشی جهانی راهبردهای فراگیری را فراهم می‌سازد (کلی، ۲۰۰۷).

روش‌شناسی پژوهش

درک جامعه آمریکا به‌ویژه از مسیر لایه‌های فرهنگی و اجتماعی مستلزم درک عملکرد اجتماعی و فرهنگی در قالب‌های مختلف است. به‌طور حتم بیسبال به‌مثابه یک «ورزش هویت‌ساز» که از دیر باز کانون اجتماعات مردمی بوده است، می‌تواند به‌منزله یک عرصه عملکرد فرهنگی و اجتماعی مطالعه شود. از این‌رو، در این پژوهش ابتدا رابطه آن با میزان سرمایه اجتماعی مطالعه شده است و فرض اولیه این بوده که مشارکت در بیسبال رابطه معنادار با میزان سرمایه اجتماعی دارد.

البته اشکال و درجات متفاوتی برای سرمایه اجتماعی وجود دارد که بیسبال و انواع شناخته شده انجمن‌های صلح‌آمیز یا انجمن‌های اجتماعی مقاومت، در این لایه تعریف می‌شوند (فونگ ۲۰۰۳: ۵۳۵). فرضیه دوم این پژوهش، تاکید می‌کند که ظهور بیسبال به‌منزله یک ورزش برآمده از سرمایه اجتماعی بیشتر یک امر اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود تا یک امر سیاسی که نمود قدرتی در عرصه‌های مختلف مانند شرکت در انتخابات پیدا کند.

لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که:

چگونه مشارکت در بیسبال بر میزان سرمایه اجتماعی شرکت‌کنندگان در سطح عام تأثیر می‌گذارد؟

پرسش دوم معطوف به قابلیت‌های سرمایه اجتماعی برآمده از این مشارکت است:

بازخوردهای مشارکت در بیسبال بیشتر در کدام شکل یا اشکال سرمایه اجتماعی قابل مشاهده است؟

روش تحقیق در این مطالعه روش پیمایشی است که بر اساس آن پرسشنامه‌ای حاوی ۲۵ پرسش بسته و ۹ پرسش با پاسخ‌های باز تهیه شده است. متغیرهای اصلی پژوهش تعیین می‌شود و گویه‌های مناسب برای سنجش هر متغیر تهیه می‌شوند. در نتیجه از ۲۵ پرسش موجود، ۱۷ پرسش، مفاهیم عمده متغیر وابسته یعنی سرمایه اجتماعی و ۷ پرسش، متغیر مستقل یعنی بیسبال را مطالعه می‌کنند.

با توجه به تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی، مفاهیم مرتبط استخراج و در پرسشنامه‌ای گنجانده می‌شوند. پوتنام در بولینگ یک‌نفره (۲۰۰۱) در فهرست مطالب خود عمده این متغیرها را بر می‌شمارد. از این میان دو مفهوم مشارکت سیاسی و مشارکت عمومی با فرضیات مطرح در این پیمایش در پیوند هستند. سایر مفاهیم مرتبط به این قرارند: «مشارکت عمومی»، «مشارکت ارگانیک»، «مشارکت سیاسی»، «اعتماد عمومی» و «اعتماد سیاسی».

از سوی دیگر، متغیر مستقل یعنی مشارکت در بیسبال نیز مفاهیمی در خود دارد. برای برآورد میزان واقعی مشارکت در بیسبال ضروری است تمامی سطوح این مشارکت، از میزان علاقه تا نوع مشارکت و میزان جدیت

این مشارکت سنجیده شود. به این منظور تعداد ۷ پرسش میزان علاقه، و میزان، نوع، سطح و شکل مشارکت در بیسبال را مطالعه می‌کنند.

پرسش‌های طراحی شده بسته و بیشتر در مقیاس لیکرت و سطح ترتیبی، و پرسش‌های معدودی نیز در سطح اسمی گنجانده شده‌اند. پرسش‌های مربوط به سرمایه اجتماعی برگرفته و نسخه‌برداری شده از پرسشنامه ساگوارو سمینار^{۲۵} قابل دسترسی در سایت رسمی مرکز تحقیقات نظر سنجی روپر^{۲۶} است.

جمعیت مورد مطالعه این پژوهش، دانشگاهیان چند دانشگاه از جمله دانشگاه بوردو، و اعضای یک "جمعیت علاقمند بیسبال" است. محدودیت‌های پژوهش که شامل ملاحظات مربوط به سرعت، هزینه، محدودیت دسترسی و سهولت انجام پژوهش است منجر به اتخاذ روش پرسشنامه و توزیع آن به صورت برخط شد. قالب نمونه‌گیری، تحت تأثیر روش پژوهش، در برگیرنده آن بخش از جمعیت است که به‌طور معمول در ارتباط با رایانه و اینترنت هستند - و لذا در معرض پرسشنامه برخط قرار می‌گیرند. از میان این جمعیت، جمعیت نمونه محدود به جامعه دانشگاهی آمریکا شامل دانشگاه بوردو، ایندیانا، دانشگاه جرج واشنگتن، واشنگتن، و دانشگاه تولدو، اوهایو است که پرسشنامه در آنها توزیع می‌شود.

اگر چه نسبت به جامعه مورد مطالعه - که جامعه دانشگاهیان چند دانشگاه خاص است - در نمونه‌گیری تصادفی، نمونه تحلیل شده با ۵٪ ضریب خطا نمونه قابل‌اعتنایی است ولی این نمونه تنها قابل تعمیم به مابقی دانشگاهیان مذکور است و تعمیم آن به کل جامعه آمریکا روایی لازم را ندارد. مقاله حاضر به هیچ عنوان در مقام تعمیم یافته‌های پژوهش نیست و یافته‌های ارائه‌شده تنها برای تکمیل و تقویت بحث نظری که استدلالی قوی در حمایت از فرضیات مقاله است مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

گزارش نتایج پژوهش

ابتدا متغیرهای جمعیتی که نقش زمینه‌ای و واسطه‌ای در درک روابط بین متغیرها دارند مورد بحث قرار می‌برند و سپس به انعکاس متغیرهای وابسته و مستقل می‌پردازیم. آن‌گاه، معناداری روابط بین متغیرها را تحلیل می‌کنیم.

جدول ۱. توزیع فراوانی وضعیت جنس پاسخگویان

جنس	فراوانی	درصد
زن	۹۱	۳۷.۸
مرد	۱۵۰	۶۲.۲
کل	۲۴۱	۱۰۰.۰

بر اساس نتایج جدول ۱، از کل پاسخگویان (۲۴۱) حدود ۲۲.۲٪ زن و ۳۷.۸٪ مرد هستند. به بیان بهتر ترکیب جنسی پاسخگویان مبین این است که بیشتر پاسخگویان زن هستند.

جدول ۲ توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان را در قالب گروه‌های سنی نشان می‌دهد. حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله قرار می‌گیرند در حالی که حدود ۷۵ درصد پاسخگویان سن پایین‌تر از ۳۰ سال دارند. البته باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از پاسخگویان دانشگاهیان بوده‌اند. جدول ۳ نیز توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از این است که حدود ۴۳٪ (بیشترین) از پاسخگویان دانشجوی کارشناسی هستند. کمترین میزان تحصیلات نیز در بین پاسخگویان به درجه تحصیلی زیر دیپلم اختصاص دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود سطح سواد در میان پاسخگویان بسیار بالاست و در واقع ۹۹ درصد آنها از تحصیلات عالی برخوردارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان

گروه های سنی	فراوانی	درصد
۱۵-۱۹	۲۲	۹.۲
۲۰-۲۴	۱۰۸	۴۵.۲
۲۵-۲۹	۴۸	۲۰.۱
۳۰-۳۴	۱۸	۷.۵
۳۵-۳۹	۹	۳.۸
۴۰-۴۴	۱۲	۵.۰
۴۵-۴۹	۷	۲.۹
بالاتر از ۵۰	۱۵	۶.۳
کل	۲۳۹	۱۰۰.۰

جدول ۳. توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	%
دبیرستان	۲	.۸
دانشجو	۱۰۴	۴۳.۲
کارشناسی	۶۸	۲۸.۲
کارشناسی ارشد	۶۶	۲۷.۴
کل	۲۴۰	۱۰۰.۰

نتایج به‌دست آمده از توزیع فراوانی میزان درآمد پاسخگویان (جدول ۴) حاکی از آن است که حدود ۵۸.۷٪ از پاسخگویان استخدام رسمی و حدود ۱۶٪ نیز به صورت قراردادی مشغول به کار هستند. جدول ۴ اطلاعات مرتبط

با توزیع درآمد پاسخگویان را نشان می‌دهد. نکته مهم در اطلاعات این جدول بازگو کننده این واقعیت است که اکثریت قابل توجهی از پاسخگویان خود را از طبقه متوسط می‌بینند. طبقه متوسط نماد تعادل و رفتار عقلانی و به نوعی نماد استقرار اجتماعی است. اگرچه افراد در پاسخ‌ها تلاش می‌کنند که واقعیت را منعکس کنند، ولی به نظر می‌رسد عضویت در طبقه متوسط به مثابه یک امر هویت‌بخش، یک خواسته عام اجتماعی است که حتی اگر به لحاظ درآمدی در طبقه متوسط درآمدی نباشند ولی به لحاظ فرهنگی و انجام شده‌اند نیز حکایت از این امر اجتماعی می‌کند (عاملی، ۲۰۰۲ و ۱۳۸۸).

جدول ۴. توزیع فراوانی وضعیت درآمد پاسخگویان

درآمد	فراوانی	درصد
کم	۵۲	۲۱.۸
متوسط	۱۵۲	۶۳.۶
زیاد	۳۵	۱۴.۶
کل	۲۳۹	۱۰۰.۰

مشارکت در بیسبال

نتایج جدول توزیع فراوانی میزان مشارکت در بیسبال (جدول ۵) مبین این مهم است که حدود ۵۰.۶٪ از پاسخگویان مشارکت پائینی در ابعاد مشارکت در بیسبال اعم از علاقه به بیسبال، زمان مشارکت، سطح مشارکت و میزان مطالعه و تماشای بیسبال داشته‌اند. حدود ۵۲٪ مشارکت بالایی داشته‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی میزان مشارکت در بیسبال پاسخگویان

مشارکت در بیسبال	فراوانی	درصد
کم	۱۲۱	۵۰.۶
متوسط	۸۹	۳۷.۲
زیاد	۲۹	۱۲.۱
کل	۲۳۹	۱۰۰.۰

لازم به توضیح است که میانگین و انحراف معیار میزان مشارکت به ترتیب برابر با ۳ و ۱.۸۸ است.

سرمایه اجتماعی و بیسبال

نتایج به دست آمده از تحلیل میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان بر اساس ابعاد سرمایه اجتماعی مورد نظر در این پژوهش مبین این امر است که حدود ۸.۵٪ از پاسخگویان از سرمایه اجتماعی متوسطی برخوردار بوده‌اند.

حدود ۵۰٪ پاسخگویان نیز دارای سرمایه اجتماعی بالایی بوده‌اند. به‌طور کلی سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان متوسط به بالا بوده است. جدول ۶ را ببینید.

جدول ۶. توزیع فراوانی میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان

سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد
کم	۲۶	۱۱.۷
متوسط	۱۵۲	۶۸.۵
زیاد	۴۴	۱۹.۸
کل	۲۲۲	۱۰۰.۰

میانگین و انحراف معیار متغیر میزان سرمایه اجتماعی به ترتیب برابر است با ۱۲.۳۸ و ۲.۲. بر اساس جدول ۷ مطالعه فرضیه اول منوط به سنجش میزان همبستگی مابین متغیر مستقل یعنی "مشارکت در بیسبال" و مجموع متغیرهای مرتبط با متغیر وابسته یعنی "سرمایه اجتماعی" است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ارتباطی ضعیف و در بعضی موارد منفی میان مشارکت در بیسبال و متغیرهای سرمایه اجتماعی به چشم می‌خورد. لذا فرض اول این مطالعه مبنی بر وجود ارتباط علی میان مشارکت در بیسبال و سرمایه اجتماعی مردود است.

بر اساس همین یافته‌ها، در میان متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی، بیشترین و معنادارترین ارتباط با متغیر مستقل مشارکت در بیسبال - همبستگی ۰.۲۵ با سطح معناداری ۰.۰۰ - گویای آن است که تأثیر احتمالی مشارکت در بیسبال بر سرمایه اجتماعی در قالب "مشارکت عمومی" قابل مشاهده است. حال آن‌که، کمترین ارتباط میان مشارکت در بیسبال و سرمایه اجتماعی (۰.۱۶-) حاکی از آن است که کمترین تأثیر احتمالی مشارکت در بیسبال بر سرمایه اجتماعی در قالب "مشارکت سیاسی" خواهد بود.

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون برای "مشارکت در بیسبال" و متغیرهای "سرمایه اجتماعی"

ابعاد سرمایه اجتماعی						مشارکت در بیسبال
مشارکت	اعتماد	مشارکت	مشارکت	مشارکت	ضریب همبستگی	
داوطلبانه	عمومی	سیاسی	ارگانیک	عمومی		
-۰.۱۱۰	۰.۰۸۴	-۰.۰۱۶	۰.۰۱۱	۰/۲۵		
۰.۰۹۱	۰.۱۹۷	۰.۰۸۴	۰.۸۶۴	۰/۰۰۰		
۲۳۸	۲۳۹	۲۳۵	۲۳۰	۲۳۶	تعدادمشاهدات	

بدین ترتیب جدول چند متغیره بالا نشان می‌دهد که فرض دوم مطالعه مبنی بر آن که "سرمایه اجتماعی برآمده از مشارکت در بیسبال بیشتر در اشکال عمومی مشارکت جمعی (مثل اعتماد عمومی) ظهور می‌یابد تا در قالب‌های مشخص‌تر سیاسی (مانند شرکت در انتخابات)" تأیید می‌شود. جدول ۸ نیز تحلیل واریانس رگرسیون دو متغیره مشارکت عمومی را نشان می‌دهد.

جدول ۸. تحلیل واریانس رگرسیون دو متغیره مشارکت عمومی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	مجدورات میانگین	مقدار f	معنی داری
رگرسیون	۷۵.۰۹۱	۱	۷۵.۰۹۱	۱۵.۶۹	.۰۰۰
باقی مانده	۱۱۱۹.۶۵۵	۲۳۴	۴.۷۸۵		
کل	۱۱۱۹.۷۴۶	۲۳۵			

پیشتر بر این نکته تأکید شد که مقاله حاضر در صدد مطالعه ارتباط علی میان "مشارکت در بیسبال" و "سرمایه اجتماعی" با حفظ رویکردی فرهنگی است. اکنون باید تصریح شود که این مقاله با دیدگاهی "فرهنگ‌گرایانه" به موضوع بیسبال و تأثیرات آن در جامعه آمریکا می‌پردازد. نگاه ریموند ویلیامز (۲۰۰۱: بدون صفحه گذاری) به جامعه به صورت برجسته‌ای رنگ و بوی "سرمایه اجتماعی" دارد: "ایجاد یک جامعه به معنای یافتن معانی و مسیرهای مشترک است. رشد جامعه در گرو توسعه و هم‌اندیشی است که خود پیامد نیروی تجربه، روابط و مکاشفاتی است که به زمین و جغرافیا متصل می‌شود. جامعه رشد یافته و شکل گرفته است، اما به‌طور متداوم در ذهن فرد باز ساخته و باز پرداخته می‌شود". عوامل مشترک بین دو حیطه مد نظر، با توجه به این تعریف، عبارتند از اشاره به سامانه ارزشی و معنایی مشترک که در سرمایه اجتماعی نیز بر آن تأکید می‌شود؛ دیگری اشاره به بازتولید معانی در سطح فردی است که از دیرباز مورد توجه جامعه‌شناسان بوده و اکنون مورد مطالعه و توجه نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. اشتراک مفهومی متضمن در فرهنگ‌گرایی و بحث‌های سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده هم‌گرایی‌ای است که زیر بنای رویکرد چندرشته‌ای را تشکیل می‌دهد.

البته رویکرد چندرشته‌ای در مطالعه حاضر در پاسخ به فقدان ابزار لازم برای رسیدگی به موضوع بیسبال به صورت یک مطالعه حضوری و مشارکتی اتخاذ شد. بدین ترتیب، ملاحظات فرهنگی در مورد بیسبال و بحث‌های جامعه‌شناسانه در باب سرمایه اجتماعی در هم آمیخته شد تا نگاهی هر چند کلی اما تلفیقی بر نقش و تأثیر پدیده‌ای روزمره و عامیانه همچون بیسبال، بر دو حیطه مذکور ارزیابی شود.

هر چند بحث نظری و روشی مقاله همگی مؤید فرضیات مطرح مبنی بر تأثیر بیسبال بر سرمایه اجتماعی شرکت‌کنندگان آن است ولی دیدیم که یافته‌های پژوهش لزوماً مؤید این فرض نیستند. اساساً ساختار نهادی بیسبال، طبیعت جمع‌گرای این ورزش تیمی و تماشاچی محور، و جایگاه نمادین آن در فرهنگ و جامعه آمریکا

فرض وجود ارتباط علی بین دو متغیر را مطرح می‌کند. در عین حال، عوامل مختلفی از جمله تصادفی بودن نمونه‌گیری پژوهش انجام شده، می‌تواند تناقض موجود بین بحث‌های ارائه شده و یافته‌های پژوهش را توضیح دهد.

اگرچه فرض اول مورد تأیید قرار نگرفته است، دیگر یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زعم کلی این مطالعه مبنی بر وجود نوعی ارتباط میان فرهنگ عامه و مشارکت‌های عامیانه از جمله بیسبال با میزان سرمایه اجتماعی منطقی و قابل قبول است. مطالعه متغیرهای اجتماعی پاسخ‌دهندگان و متغیرهای مستقل و وابسته آنها مؤید این مدعا است. در مطالعه دو متغیر میزان درآمد و مشارکت در بیسبال، مشاهده شد که ۳٪ پاسخ‌دهندگان پژوهش، از سطح درآمد متوسط برخوردارند. نکته مورد نظر آنجاست که ۸٪ همین افراد سطح متوسطی از سرمایه اجتماعی را دارا هستند. در این شرایط، ضمن این که اکتفا به یافته‌های پژوهش حاضر برای تعمیم و نتیجه‌گیری کلی درباره ایالات متحده مجاز نیست، تصریح می‌شود که حتی با وجود یافته‌های ارائه شده می‌توان وجود ارتباط میان جایگاه اجتماعی، فرهنگ عامیانه و سرمایه اجتماعی را از نوع رابطه همبستگی^{۲۷} و نه علیت^{۲۸} پذیرفت. به این ترتیب، این مقاله که در پی یافتن ارتباط فرهنگ عامه و سرمایه اجتماعی در قالب جامعه مدنی ایالات متحده بود، به بخشی از هدف کلی خود دست یافته است.

در همین راستا، جدول ۹ نشان می‌دهد که ارتباط معنادار و منفی میان سطح درآمد و "اعتماد عمومی" وجود دارد. به این معنی که هر چه سطح درآمد پایین‌تر است افراد از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند - که در قالب اعتماد عمومی قابل مشاهده است. این افراد با درآمد متوسط را باید در میان جمعیت آمریکایی در نظر گرفت که سهم بسزایی در بیسبال و لذا در تحرک مدرن‌سازی فرهنگ ایالات متحده داشته‌اند (باسپر، ۲۰۰۵؛ کان، ۱۹۸۷؛ بودریلار، ۱۹۸۹). این بار نیز بخش دیگری از هدف کلی مقاله که همانا بیان اهمیت دو حوزه فرهنگ - از نوع عامیانه - و شرایط اجتماعی با فرض وجود همبستگی معنادار بود، برآورده می‌شود.

جدول ۹. تحلیل واریانس یک‌طرفه درآمد و سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی)

ضریب همبستگی					
معناداری	۰/۰۰۰	۰.۸۶۴	۰.۸۰۴	۰.۱۹۷	۰.۰۹۱
تعداد مشاهدات	۲۳۶	۲۳۰	۲۳۵	۲۳۹	۲۳۸

ادعای گزارشی نخواهد بود اگر بگوییم نبود ارتباط بین تحصیلات و مشارکت در بیسبال براساس یافته‌های پژوهش (جدول ۱۰)، خود می‌تواند گویای بی‌طبقتی بیسبال به لحاظ اجتماعی باشد. مآسیک و سولومون (۲۰۰۳) بر آنند که بیسبال ورزشی آمریکایی و مطلقاً خالی از مضامین طبقه اجتماعی است. اگر سطح تحصیلات را یکی از عوامل تعیین‌کننده طبقه اجتماعی در نظر بگیریم (مچ و وسولووسکی، ۱۹۸۶: ۱۴)، آنگاه ادعای بالا واقعی‌تر می‌شود.

جدول ۱۰. آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه تحصیلات و اعتماد عمومی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
--------------	---------------	------------	-----------------	---	---------------

۰.۳۳	۲.۹۷۰	۲.۹۱۹	۳	۸.۷۵۸	میان گروهی	اعتماد عمومی
		.۹۸۳	۲۳۴	۲۲۹.۹۸۶	دورن گروهی	
			۲۳۷	۲۳۸.۷۴۴	کل	

نتیجه‌گیری: بیسبال، ورزش متمایزکننده فرهنگی و مولد شبکه‌ای جهانی برای گسترش آمریکا

دیدیم که در پی تعارضات نظری موجود مبنی بر چندگانه بودن اشکال و تبلورات سرمایه اجتماعی برآمده از نهادهای ورزشی (زیپل، ۲۰۰۶؛ لین، ۲۰۱۰)، فرض دوم این مطالعه مبنی بر تاثیر احتمالی بیسبال بر سرمایه اجتماعی در قالب اشکال کلی سرمایه اجتماعی نظیر "مشارکت عمومی" و "اعتماد عمومی" و نه اشکال خاص "مشارکت سیاسی" و یا "اعتماد سیاسی" مورد تأیید قرار گرفت. نگاه تلفیقی این امکان را فراهم می‌کند تا با توجه به قبول فرض دوم و با استفاده از مدل تحلیلی کارکرد نهادی اوفه (۱۹۹۹) و دیدگاه همیاری (باولز و گینتیس، ۲۰۰۲) که در بحث سرمایه اجتماعی ارایه شده است، تبیین فرضیات ارایه شده امکان‌پذیر شود.

صلح‌آمیز بودن بیسبال به‌منزله یک نهاد مدنی آمریکایی باعث می‌شود که معانی بازتولیدی توسط این نهاد در طی فرآیند اجتماع‌پذیری شهروندان آمریکایی که در بیسبال مشارکت کرده و با آن همزادپنداری^{۲۹} دارند، با معانی مورد قبول و پذیرفته شده آمریکایی که در طی قرون شکل گرفته هم‌پوشانی بیابد. این به‌معنای کارکرد کلیدی بیسبال به‌مثابه یک نهاد مدنی در بازتولید تجربه، هویت، و ایدئولوژی آمریکایی است (لین، ۲۰۱۰؛ عاملی، ۲۰۰۲).

این نکته بسیار مهمی است که ارزش‌های قابل مشاهده در بیسبال ارزش‌های مردمانی هستند که به این ورزش پر و بال داده‌اند؛ و نتیجه جالب توجه آن که همین ورزش در خدمت بازتولید همان ارزش‌ها است. این ویژگی بیسبال بیانگر قوت آن به‌مثابه یک نهاد عمومی در عملکردی است که اوفه (۱۹۹۹) آن را "کارکرد نهادی"^{۳۰} می‌نامد. انجمنی که در این کارکرد تجربه موفق داشته باشد، به‌منزله یک نهاد موفق مولد سرمایه اجتماعی با کارکرد ویژه/اجتماع‌پذیری شناخته می‌شود. منظور از "کارکرد نهادی"، عملکرد نهادها برای اشاعه فرهنگی، یعنی همان آموزش داوطلبانه و ضمنی ارزش‌ها به مشارکت‌کنندگان، و به بیان دیگر، مدیریت اختیار جمعی، است (وولکاک و نارایان، ۲۰۰۰: ۲۳۰).

از سوی دیگر، کارکرد دیگری نیز در ارزیابی میزان موفقیت نهاد بیسبال در تولید سرمایه اجتماعی دخیل است که عبارت است از "خودنهادینگی"^{۳۱} که همانا قدرت قانع‌کنندگی بیسبال برای جذب اعتماد و لذا مشارکت اعضا است (اوفه، ۱۹۹۹). جمع‌بندی نظرات موجود حاکی از آن است که هر چه ارزش‌های نهادی به ارزش‌های رایج مردم نزدیک‌تر باشد، میزان اعتماد و تمایل مردم به حضور در آن نهاد بیشتر خواهد بود. کارکرد ویژه نهادی با این ویژگی، تولید سرمایه اجتماعی همراه با جامعه، در مقابل نهادهای با سرمایه اجتماعی ضد اجتماع و یا جدایی طلب^{۳۲} است (همان). باید گفت بیسبال یکی از نهادهای قوی در جامعه‌پذیری شهروندان در جامعه مدنی آمریکا است.

یافته‌های مقاله حاضر در متن فرهنگ عامه و بحث‌های مربوط به جامعه مدنی قابل تفسیر و تعمیم است. بنابراین، با تاکید بر بحث‌های فرهنگی ارایه شده، باید گفت فرهنگ عامه از راه بازتولید ارزش‌های آمریکایی در خدمت بازتولید و توسعه فرهنگ مدرن این کشور است (لین، ۲۰۱۰). رمز این عملکرد در قدرت فرهنگ عامه برای "جامعه پذیر" کردن ارزش‌ها از کانال نهادهای مدنی است. همان‌طور که گفته شد، تعارضات نظری موجود حاکی از چندگانه بودن اشکال و تبلورات سرمایه اجتماعی برآمده از نهادهای ورزشی است (زیپل، ۲۰۰۶). با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش انجام شده، تاثیر احتمالی بیسبال بر سرمایه اجتماعی در قالب اشکال کلی سرمایه اجتماعی نظیر مشارکت عمومی و اعتماد عمومی بروز پیدا می‌کند و نه اشکال خاص مشارکت سیاسی و یا اعتماد سیاسی. بر اساس دیدگاه همیاری^{۳۳} در نظریه سرمایه اجتماعی (باولز و گینتیس، ۲۰۰۲)، دولت‌ها از ابزار لازم برای بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی برخوردارند و در عوض موظفند از این سرمایه پاسداری کنند. یکی از نتایج مورد تاکید مطالعه حاضر این است که ایراد توجه لازم و منطقی به این حوزه می‌تواند منشا تاثیر در سایر حوزه‌های کلان سیاسی و اقتصادی آمریکا، هر چند به شکل نامحسوس و کند، باشد (لین، ۲۰۱۰). در پایان، بر این نکته تاکید می‌شود که نفوذ و قدرت فرهنگی منابع متعددی دارد که ورزش مردم‌پسند، یکی از آن منابع محسوب می‌شود و می‌تواند تأثیرات جهانی و شبکه‌ای گسترده‌ای را فراهم آورد. به‌طور حتم این منبع در کنار سینمای آمریکا، آکادمیای آمریکا و آمریکای سیاسی حوزه تأثیرات گسترده‌ای را فراهم می‌کند که در تعامل کشورهایی که دغدغه فرهنگ و استقلال فرهنگی دارند، توجه به این ابعاد و زوایا اهمیت بسیار زیادی دارد (همان؛ استید، ۲۰۱۰؛ باولز و گینتیس، ۲۰۰۲).

منابع :

منابع فارسی

تاجبخش، ک.، پویان، ح. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد دموکراسی و توسعه. تهران: نشر شیرازه.

منابع انگلیسی

- Ameli, S. R. (۲۰۰۲). **Globalization, Americanization and British Muslim Identity**. London: ICAS Press.
- Ameli, S. R. (۲۰۰۷), "Intercultural approach to Americanism and anti-Americanism: British Muslim impressions of America before and after ۱۱ September", In *Comparative American Studies*, ۵ (۱), ۳۷-۶۲.
- Ameli, S. R. (۲۰۰۹), "Virtual Religion and Duality of Religious Spaces", In *Asian Journal of Social Science*, ۳۷ (۲), ۲۰۸-۲۳۱.
- Baudrillard, J. (۱۹۸۹). **America**. New York: Verso.
- Bourdieu, P. (۱۹۸۳), "The Forms of capital" (R. Nice, Trans.), Available from http://www9.georgetown.edu/faculty/irvinem/theory/Bourdieu-Forms_of_Capital.html.

- Bowels, S., & Gintis, H. (۲۰۰۲), “**Social capital and community governance**”, In *The Economic Journal*, ۱۱۲(۴۸۳), F۴۱۹-F۴۳۶. Retrieved from jstor.org.
- Burns, K., Kaker, K. (۲۰۱۰). **Baseball: an illustrated history**. New York: knopf
- Choi, Yun Seok; Scott, David K. (۲۰۰۸), “**Assessing organizational culture using the competing values framework within American Triple-A baseball**”, In *International Journal of Sport Management and Marketing*, Vol. ۶ (۱), pp. ۳۳-۴۸.
- Coleman, J. S. (۱۹۹۴). **Foundations of social theory**. Retrieved from Google Book Search.
- Cox, Michealene. (۲۰۱۰). **Social capital and peace building: creating and resolving conflict with trust and social networks**. New York: Routledge.
- Echevarría, R. G. (۲۰۰۹), “**Playing America's Game: Baseball, Latinos, and the Color Line by Adrian Burgos Jr.**”, In *Journal of Latin American and Caribbean Anthropology*, Vol. ۱۴(۲), pp. ۵۴۰-۵۴۴.
- Edwards, B., & Foley, M. W. (۱۹۹۸), “**Social capital and civil society beyond Putnam**”, In *American Behavioral Scientists*. ۴۲, ۲. Available from <http://arts-sciences.cua.edu/pol/faculty/foley/putnam۲.htm>.
- Edwards, B., Foley, M. W. (۲۰۰۱). **Beyond Tocqueville: civil society and the social capital debate in comparative perspective**. Retrieved from Google Book Search.
- Fung, A. (۲۰۰۳), “**Associations and democracy: Between theories, hope and realities**”, In *Annu. Rev. Sociol.* ۲۹. ۵۱۵-۳۹.
- Gripentrog, J. (۲۰۱۰), “**The Transnational Pastime: Baseball and American Perceptions of Japan in the ۱۹۳۰'s**”, In *Diplomatic History*, Vol. ۳۴ (۲), pp. ۲۴۷-۲۷۳.
- Jasper, L. M. (۲۰۰۰). **Restless nation: Starting over in America**. Chicago & London: the University of Chicago Press.
- Kahn, R. (۱۹۸۷). **The boys of summer**. New York: Harper and Row.
- Kelly, William. W. (۲۰۰۷), “**Is baseball a global sport? America's 'national pastime' as global field and international sport**”, In *Global Networks: A Journal of Transnational Affairs*, Vol. ۷ (۲), pp. ۱۸۷-۲۰۱.
- Kelly, William W. (۲۰۱۰), “**The American game: capitalism, decolonization, world domination and baseball**” - By Kelly, John D., In *The Journal of the Royal Anthropological Institute*, Vol. ۱۶ (۱) , pp. ۱۸۸-۱۸۹(۲).
- Lin, N. (۲۰۱۰). **Social capital (critical concepts in the social sciences)**. New York: Routledge.
- Lind, M. (۱۹۹۵). **The next American nation, the new nationalism and the fourth American revolution**. Free press
- Maasik, S. and Solomon, J. (۲۰۰۳). **Signs of life in the U.S. reading on popular culture for writers**. New York: Oxford press.
- Match, B. W., Wesolofski, W. (۱۹۸۶). **Social mobility and social structure**. Retrieved from google book search.
- Meier, K. V. (۱۹۸۱), “**On the inadequacies of sociological definitions of sport**”, In *International review for the sociology of sport*. ۱۹(۱); ۱۶; ۷۹. Sage Publications.
- Offe, C. (۱۹۹۹), “**How can we trust our fellow citizens?**” Available from <http://www.colbud.hu/honesty-trust/offe/pub۰۱.PDF> .
- Portes, A. (۱۹۹۸), “**Social capital, its origins and applications in modern sociology**”, In *Annual Review of Sociology*, ۲۴, ۱-۲۴. Retrieved from jstor.org.
- Putnam, R. (۱۹۹۳). **Prosperous community: Social capital and the public life**. Retrieved from the American Prospect.
- Putnam, R. (۲۰۰۱). **Bowling alone: America's declining social capital**. New York: TOUCHSTONE.
- Ritter, L. S. (۲۰۱۰). **The Glory of their times: the story of the early days of baseball told by men who played it**. New York: Harper Perennial Modern Classics.
- Saeed Abadi, R. (۲۰۰۶), “**Cultural Studies**” [PowerPoint], Iran: University of Tehran: MA in American Studies.

- Seippel, O. (۲۰۰۶), “**Sport and social capital**”, In *Acta Sociologica*. ۴۹. ۶۹. Retrieved from sagepublications.com.
- Simmons, B. (۲۰۱۰). **The book of basketball: the NBA according to the sports guy**. New York: ESPN
- Smith, R. W. (۲۰۱۰), “**Take Me Out to the Ball Game: The Story of the Sensational Baseball Song by Amy Whorf McGuigan**”, In *Journal of Popular Culture*, Vol. ۴۳ (۱), pp. ۲۱۶-۲۱۷.
- Stead, W. T. (۲۰۱۰). **The Americanization of the world: or the trend of the twentieth century (۱۹۰۲)**. New York. Kissinger Publishing.
- Tarrow, S. (۱۹۹۸). **Power in movement: Social movements and contentious politics**. Retrieved from Google Book Search.
- Tockueville, A. (۲۰۰۶), “**Democracy in America**”, Available from http://E/dink/work/texts_books/New%20Folder/democracy/index.htm.
- Voigt, D. Q. (۱۹۹۸). **American through baseball**. Retrieved from MLB.
- Williams, E. W.; Romar, J. and Hartman, M. (۲۰۱۰), “**British and Finnish Baseball: International Variations on an American Pastime, Strategies**”, In *A Journal for Physical and Sport Educators*, Vol. ۲۳ (۳), pp. ۱-۴۰.
- Williams, R. (۲۰۰۱). **Culture is ordinary**. Grantmakers in arts reader. Retrieved from grantmakers in arts reader website.
- Woolcock, M., Narayan, D. (۲۰۰۰), “**Social capital: Implications for development theory, research, and policy**”, In *The world bank research observer*, ۱۵(۲). Retrieved from Oxford Journals.

یادداشت‌ها و اشاره‌ها

-
- ^۱ Robert Putnam
- ^۲ Civil Society
- ^۳ Nation-building
- ^۴ James Madison
- ^۵ Alexis de Tocqueville
- ^۶ John Dewey
- ^۷ Pierre Bourdieu
- ^۸ James Coleman
- ^۹ Neo-Tocquevillianism
- ^{۱۰} Internalisation
- ^{۱۱} Socialization
- ^{۱۲} Tame vs. Mischievous institutions
- ^{۱۳} Sectarianism
- ^{۱۴} Abner Doubleday
- ^{۱۵} Alexander Cartwright
- ^{۱۶} Henry Chadwick
- ^{۱۷} A. G. Spalding
- ^{۱۸} & ^{۱۹} Britannica Encyclopedia
- ^{۱۹} Major League Baseball (MLB)
- ^{۲۰} American exceptionalism
- ^{۲۱} Santa Clause
- ^{۲۲} Thanks-giving
- ^{۲۳} Halloween
- ^{۲۴} Kelly
- ^{۲۵} Saguaro Seminar
- ^{۲۶} Roper Center for Public Opinion Research

-
- ٢٧ Association
 - ٢٨ Causality
 - ٢٩ Identification
 - ٣٠ Formative Function
 - ٣١ Self-fundation
 - ٣٢ Sectarianism
 - ٣٣ Synergy view

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.